



درآمدی بر مقوله پاورقی نویسی در ایران

(۳/الف*)

اول. ادوار پاورقی نویسی در ایران

ابتدای کار چاپ و نشر در ایران که با تأسیس چاپخانه در تبریز و انتشار روزنامه کاغذ اخبار صورت گرفت تا سالهای دراز چنان به هم آمیخته و نابه سامان است که پرداختن به یک موضوع فرعی روزنامه ای مانند پاورقی کاری آسان نمی نماید. در تمام کتب و رسالاتی که در این زمینه نوشته شده، مسأله روزنامه، کتاب، ترجمه های آثار خارجی به هم مخلوط است و در بخشی که به کار ما مربوط می شود یعنی روزنامه هرگز تک نگاریهای تحلیلی و موضوعی مورد توجه نگارندگان این کتب نبوده است. البته معدود مقالات بلند و تک نگاریهایی در دست است که به کمک آنها می توان به گوشه هایی از کار پاورقی در مطبوعات فارسی دست یافت و نیز مشکلات بزرگ تحقیق در منابع تاریخ روزنامه نگاری ایران را شناخت. بهترین معرفی و مقاله انتقادی در این زمینه را باید مقاله «نگاهی به منابع تاریخی روزنامه نگاری ایرانی و فارسی» نوشته آقای دکتر ناصرالدین پروین دانست.^{۶۶} همچنین از تحقیق محقق جوان آقای سید فرید قاسمی در مورد مطبوعات عصر قاجار نباید غافل بود.^{۶۷} آقای دکتر پروین پژوهشگر تاریخ مطبوعات ایران^{۶۸} معتقد است که: پاورقی از روزنامه جام جهان نما چاپ کلکته (۱۸۲۳-۱۸۷۶ م.) آغاز شد و آن پاورقی، ترجمه

* چون بخش سوم مقاله مفصل است، قسمت اول آن - ادوار پاورقی نویسی در ایران - در این شماره از نظر خوانندگان می گذرد، قسمت دوم آن در شماره بهار ۱۳۷۸ چاپ خواهد شد.

^{۶۶} در این جا لازم می دانم که از یادداشتهای مفید و فاضلاته ای که آقای دکتر ناصرالدین پروین چه از کتاب در دست چاپ خود «تاریخ روزنامه نگاری در ایران و دیگر پارسی نوسان» و چه از آرشیو شخصی خویش صمیمانه و گرمانه در اختیار من نهاده اند تشکر کنم. و از این پس هر جا که به یادداشتهای دکتر ناصرالدین پروین اشاره شده، منظور یادآوری لطف مخصوص ایشان است.

الف لیلۃ و لیلۃ و هزار و یک شب بود که در شماره های سال ۱۸۵۰ م. به بعد دیده می شود [این روزنامه فارسی را انگلیسها به دست هندوها و برای مردم شبه قاره هند منتشر می کردند].^{۶۶}

به این طریق اولین پاورقی فارسی در یک روزنامه فارسی زبان چاپ هند منتشر شده است که ارتباطی به روزنامه های داخل ایران ندارد. نکته درخور توجه آن که به اظهار آقای دکتر پروین این داستان از ترجمه روشن و روان عبداللطیف طسوجی که در ۱۲۶۱ ه. ق. (۱۸۴۵ م.) در تبریز به چاپ سنگی رسیده برگرفته نشده است و هم به اظهار ایشان مترجم این اولین پاورقی از فارسی نویسان هند است که به مانند طسوجی ترجمه خود را از روی یکی از کتب چاپ قاهره به انجام رسانیده است.

بنابراین تاریخ چاپ پاورقی در روزنامه های ایران را باید از دوران ناصرالدین شاه آغاز کرد و توجه داشت که این اصطلاح همچنان که در بخش اول این مقاله آمده بسی متأخرتر از زمانی است که پاورقی در روزنامه های ایران ظهور کرده است.^{۶۸}

ادوار تاریخی پاورقی نویسی در مطبوعات فارسی را در اولین نگاه می توان به این شکل تقسیم کرد:

۱- دوره پیش از انقلاب مشروطیت

با انتشار روزنامه وقایع اتفاقیه در سال دوم صدارت میرزا تقی خان امیرکبیر روزنامه نگاری ایران که با طلیعه کوتاه مدت کاغذ اخبار میرزا صالح شیرازی عمرش را آغاز کرده بود به صورت منظم و جدی در مجموعه فرهنگی ایران مشتاق تجدید قدم نهاد. این روزنامه در روز جمعه پنجم جمادی الثانی ۱۲۶۷ ه. ق. [۸/ فوریه ۱۸۵۱ م.]^{۶۹} منتشر گردید^{۷۰} یعنی ماهنگامی صاحب یک روزنامه دولتی آن هم به ابتدایی ترین صورت آن شده ایم که پاورقی نویسی در اروپا و به خصوص در فرانسه در سالهای اوج و شکوفایی خود بوده است.^{۷۱}

روزنامه های عصر ناصری که در آغاز به انتشار اخبار ممالک محروسه و گاه اخبار جهان قناعت می کردند اندک اندک مطالبی را در کنار خود جای دادند که جاذبه و کششی برای خوانندگان داشت و نیز از موضوعاتی چون آزادی و مبارزات آزادیخواهان آن روز جهان سخن به میان می آوردند. مانند «احوال مازینی پیشوای ایتالیا و عقاید انقلابیون و آزادخواهان آن جا و کشمکش با اتریش».^{۷۲}

انتشار این گونه مطالب در روزنامه های عصر ناصری همزمان بود با آغاز ترجمه کتابهای داستانی که برای مطالعه ناصرالدین شاه و یا صاحبان منصب و قدرت فراهم می آمد و این آثار غالباً پاورقیهای معروف آن زمان اروپا بود که پس از چاپ در

روزنامه های فرنگی به صورت کتاب در می آمد و مورد اقبال عموم در داخل و خارج مملکت اصلی قرار می گرفت. شگفت آن که در رأس همه این آثار پاورقیهای مشهور الکساندر دومای پدر بیش از هر اثر دیگری به فارسی برگردانده شده است. آقایان کریستف بالایی و میشل کویی پرس در کتاب سرچشمه های داستان کوتاه فارسی پس از ذکر نسخ خطی موجود از ترجمه های محمد طاهر میرزا قاجار از الکساندر دوما در ذیل آثار منتشره از او توسط همین مترجم از شش کتاب دوما که به چاپ رسیده یاد می کنند و طرفه آن که یادآور می شوند که داستان معروف کنت مونت کریستو به ترجمه محمد طاهر میرزا در سال ۱۳۴۰ش در تهران در ۵ جلد در سری انتشارات جیبی به چاپ رسیده است.^{۷۳} شاید علت اساسی این اقبال اولیه به آثار دوما را بتوان در همان آسان نویسی این نویسنده پاورقی نسبت به آثار معاصرانش مانند بالزاک، هوگو و استاندال دانست که سالها بعد ترجمه آثار آنان وارد زبان فارسی شد. فرضیه دیگری نیز می تواند همانا شهرت اثر در زمان انتشار آن باشد که از فراسوی مرزهای کشور نویسنده گذشته بوده است و چنان که در بخش دوم همین مقاله اشاره کردیم اوژن سو و دو اثر اسرار پاریس و یهودی سرگردان او مدتها اروپا را در تسخیر خود داشت.^{۷۴}

مشهورترین این فرانسه خوانها و فرانسه دانها که در دربار ناصری عظم و شانی داشت محمد حسن خان صنیع الدوله، اعتماد السلطنه بعدی ست که چهار سال از دوران جوانی خود را در فرانسه تحصیل کرده (۱۲۸۰-۱۲۸۴ هـ. ق. / ۱۸۶۴-۱۸۶۷ م.) و ضمن عضویت در سفارت امیر نظام گروسی توانسته بود به تکمیل زبان فرانسه و اخذ معلومات جدید بپردازد. او در سال ۱۲۸۴ به ایران مراجعت کرد و به سمت مترجم حضور دربار تعیین شد. در ۱۲۸۷ اداره امور روزنامه رسمی و بعد ریاست دارالترجمه به او واگذار و به صنیع الدوله ملقب شد. بعد به ترتیب معاون وزارت عدلیه (۱۲۹۰)، رئیس دارالتألیف (۱۲۹۸)، عضو مجلس شورای دولتی (۱۲۹۵)، وزیر انطباعات (۱۳۳۰) گردید.^{۷۵}

از نظر تاریخ نشر در ایران اهمیت حضور اعتماد السلطنه را باید در مقاله ای مفصل و کامل مورد بررسی قرار داد. آقای ایرج افشار این مهم را در نقد روزنامه خاطرات تا حدی به تفصیل به انجام رسانیده اند. اما واقعیت آن است که معرفی فرهنگی کاملی از اعتماد السلطنه برای دریافت شیوه کار او و اهتمام وی به کار تألیف و ترجمه و نشر آثار معتبر دوره ناصری ضرورت کامل دارد.

اعتماد السلطنه با به کار گرفتن گروهی از دانشمندان و تحصیل کرده های زمان خود ضمن نظارت بر نوع تألیف و ترجمه، از امکان تهیه کتب اروپایی با ارتباطی که در زمان

تحصیل در فرانسه داشته برخوردار بوده است و مرتباً از فرنگ کتاب می خواسته: «کاغذی به فرنگ نوشتم ده نسخه کتاب خواستم صد فرانک هم پول فرستادم».^{۷۱}

در تمام کتاب خاطرات اعتماد السلطنه او از روزنامه خوانی خود در حضور شاه سخن می گوید و پیداست که این روزنامه خوانی فقط به خواندن و ترجمه اخبار سیاسی جهان منحصر نمی شده است. فرضاً او در خاطرات خود ذیل سال ۱۲۹۳ هـ. ق. (۱۸۷۵ م.) صحبت از کتابچه هایی می کند که شاه به او داده تا برایش بخواند و اعتماد السلطنه می نویسد: «دیگر مجال عرض روزنامه نشد با وجودی که یک جزو از روزنامه (تور دو مند) التفات فرموده بودند که همراه باشد».^{۷۲} از جهت اشراف صنایع الدوله به مسائل ادبی روز، بد نیست بدانیم این جزوه، بخشی از همان رمان معروف ژول ورن به نام هشتاد روز دور دنیاست که آن مؤلف خیال پرور اثر خود را در ۱۸۷۳ یعنی دو سال پیش در فرانسه نوشته و به صورت جزوات پاورقی منتشر کرده بوده است.

غرض از توضیح این مختصر آن بود که دانسته شود چگونه پای داستانهای اروپایی به ایران باز شده و اصطلاح رمان در مورد پاورقیهای معروف زمان به کار گرفته شده است. برای اطلاع بیشتر در مورد کتابهای داستانی که در این دوران به فارسی ترجمه شده جز فهرستهای شناخته شده کتب چاپی چون مشار و غیره و نیز کتاب از صبا تا نیمای آراین پور، خوانندگان این مقاله را علاوه بر کتاب سرچشمه های داستان کوتاه فارسی که پیش از این ذکری از آن شد به اثر دیگری از آقای کریستف بالایی با نام «پیدایش رمان فارسی» ارجاع می دهیم.^{۷۳}

اما دکتر ناصرالدین پروین در مورد پاورقیهایی که خود در مطبوعات این دوران دیده می نویسد:

در دوره ناصری پاورقی روزنامه ها اکثر غیر داستانی و بیشتر تاریخی بود. اولین آنها «احوال کریستف کلمب کاشف امریکا» ست که محمد حسن خان پیشخدمت خاصه (صنیع الدوله و اعتماد السلطنه بعدی) آن را ترجمه کرده بود و در روزنامه دولتی و گاهی روزنامه ملتی بخشهایی از آن به چاپ می رسید. در همین دوره اولین پاورقی داستانی با ترجمه میرزا محمد حسین خان ذکاء الملک فروغی در روزنامه اطلاع چاپ شد. این داستان «ژرژ انگلیسی عاشق مادمازل مارتی پاریسی» نام داشت و سپس روزنامه «مرآة السفرو مشکوة الحضر» که ویژه بازناب سفر داخلی ناصرالدین شاه به چاپ می رسید، «اخبار کشتی روینسون» را چاپ کردند.^{۷۴}

بعد از قتل ناصرالدین شاه و مرگ صنیع الدوله که یک ماه پیش از آن روی داده بود، نظم و نسق پیشین و سازمان دارالترجمه و دارالتالیف و نظارت بر روزنامه ها به صورت معمول

در عصر شاه شهید تقریباً از میان رفت. برخی از کتبی که ترجمه و حتی چاپ شده، اما اجازه انتشار نیافته بود به دست مردم رسید.

روزنامه ترییت که در این دوره به مدیریت میرزا محمد حسین خان فروغی ذکاء الملک اول منتشر می شد پاورقی را جزء اصلی روزنامه قرار داد و به قضاوت یحیی آرین پور: در این روزنامه مقالات و ترجمه های مفید و پاورقیهای گوناگون به قلم میرزا محمد علی خان فروغی [ذکاء الملک دوم و مرد ادب و سیاست ایران در دوران بعد از مشروطه و عصر پهلوی (توضیح از نگارنده مقاله است)] فرزند مدیر روزنامه و دبیران چاپ می شد و از نظر ادبی بی ارزش نبود، اما لحن چاپلوسانه و ستایشگرانه آن به مقدار زیادی از اهمیت و اعتبار آن می کاست.^{۸۱}

به استناد نوشته دکتر ناصرالدین پروین:

در این روزنامه دو رمان فرانسوی کلبه هندی اثر برناردن دوس پیر و عشق و عفت اثر شاتوبریان به صورت پاورقی به چاپ رسیده است. و هم در این دوران «سفینه غواصه» («بیست هزار فرسنگ زیر دریا») اثر ژول ورن در گنجینه فنون (تبریز) و داستان تاریخی «فتاة غسان» اثر جرجی زیدان در الحدید (تبریز) به چاپ می رسیده است.^{۸۱}

به این طریق می بینیم که پاورقی روزنامه ای در ایران پیش از انقلاب مشروطه جای خود را باز کرده است متسی هنوز اثری از پاورقیهای فارسی در مطبوعات دیده نمی شود و این ترجمه داستانها و پاورقیهای اروپایی ست که مردم را به خواندن داستان در ضمن مطالعه روزنامه علاقه مند می سازد.

۲- از انقلاب مشروطه تا سلطنت رضاشاه پهلوی

با وقوع انقلاب مشروطه شکوفایی ناگهانی مطبوعات فارسی آغاز شد و به قول یحیی آرین پور «پس از اعلام مشروطیت و آزادی مطبوعات شماره روزنامه ها رو به فزونی نهاد و دهها روزنامه در تهران و رشت و تبریز و دیگر شهرهای ایران انتشار یافت».^{۸۲} اما در بحبوحه شور انقلابی و حرفهای نگفته در دل مانده، روزنامه ها جایی برای داستان و نقل و حکایت عاشقانه یا تاریخی ندارند. به این جهت است که در این دوره که تا آغاز استبداد صغیر به طول می انجامد روزنامه ها بیشتر به صورت اوراق انتقادی و حتی گاه به زبانی تلخ و گزنده که بی شباهت به هجوتامه های مطبوعاتی (pamphlet) آغاز انقلاب فرانسه نبود منتشر می شدند. به قول آرین پور در این دوره «گروهی دیوانه وار به روزنامه نویسی رو آوردند».^{۸۳}

مردم تشنه دانستن بودند و شاید بتوان گفت که اقدام روزنامه صور اسرافیل به سردبیری

علی اکبر دهخدا در انتشار بخشی از استنطاق میرزا رضا کرمانی قاتل ناصرالدین شاه، دانسته یا ندانسته و خواسته و یا ناخواسته شباهت بسیاری دارد به نخستین پاورقیهای غیر داستانی از وقایع محاکم دادگستری در دوران آغاز پاورقی در فرانسه، که مردم به ستون حوادث و اخبار دادگستری سخت علاقه مند بودند و این اخبار را مثل داستان دنبال می کردند.^{۸۴}

اعترافات میرزا رضا کرمانی و پسرش و شیخ محمد دوست میرزا که در شماره های ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۳ صوراسرافیل نقل شده و به نوشتهٔ خانم هما ناطق «با تغییرات و حذفیاتی به چاپ رسیده است»^{۸۵} مبین علاقه ای است که مردم به خواندن این گونه مطالب از خود نشان می داده اند و نیز قطع ناگهانی آن در شمارهٔ ۱۲ و از سر گرفتن بخش دیگر آن در شمارهٔ ۱۳ و پایان دادن به موضوع معرف محظورات ناشرین صوراسرافیل است.

دکتر ناصرالدین پروین می نویسد: «در دورهٔ محمد علی شاه پاورقی داستانی منحصر به ترجمهٔ یک داستان فرانسوی بود که با نام اصلی «شوالیه دوزون روز» در روزنامهٔ رهنما در تهران به چاپ رسید».^{۸۶}

با استقرار مجدد مشروطه و آغاز حکومت سلطان احمد شاه قاجار و آرامش نسبی پس از انقلاب و کودتای محمد علی شاه وضع روزنامه ها رو به بهبود گذاشت و آزادی بار دیگر به مطبوعات بازگشت و نیز روزنامه ها اندک اندک به صورت روزنامهٔ خبری و نه عقیدتی با اهداف آگاهی و آموزشی قدم به عرصهٔ وجود می نهادند. با این همه هنوز از وجود پاورقی فارسی در روزنامه های این دوران اطلاعی نداریم. اما نکته جالب که نباید از نظر دور بماند این است که در این دوران بعضی از روزنامه ها شروع به چاپ نمایشنامه هایی به صورت پاورقی می کنند که ایرانی هستند و نه ترجمه: «اشرف خان حاکم عربستان» اثر میرزا ملکم خان که در روزنامهٔ اتحاد (تبریز) چاپ شده و تیاتر «شیخعلی میرزا حاکم ملایر و تویسرکان» و «عروسی با دختر شاه پریان» در روزنامهٔ تیاتر (تهران) و نمایشنامهٔ معروف «غیاث خشت مال» و «گل آقا و گلناج» در روزنامهٔ ناهید (تهران) از این جمله اند.^{۸۷}

متأسفانه عدم دسترسی به دورهٔ روزنامه های ایران در این زمان نمی گذارد که ببینیم اولین داستان پاورقی ایرانی کدام داستان بوده است و به این جهت است که باید قول عموم را در این که داستان تهران مخوف نوشتهٔ مرتضی مشفق کاظمی اولین پاورقی ایرانی است که به زبان فارسی در روزنامه منتشر شده است پذیرفت. «این رمان در دو کتاب نوشته شده است. کتاب اول در چهار مجلد است که ابتدا در ۱۳۴۱ ه. ق. (۱۳۰۱ ش) در روزنامهٔ ستارهٔ ایران و بعد در سال ۱۳۴۳ ه. ق. (۱۳۰۳ ش) به صورت کتاب مستقل در تهران منتشر

گردیده.^{۸۱}

ولی آیا رمان تهران مخوف اولین پاورقی روزنامه های ایران است؟ آقای کریستف بالایی معتقد است که مجله ارمغان که در سال ۱۹۱۹م (۱۲۹۸ش) به مدیریت وحید دستگردی به صورت ماهنامه در تهران آغاز به انتشار کرده است اولین پاورقی معروف فارسی را به نام «ده نفر قزلباش» در مجله خود منتشر ساخت. بالایی می نویسد: «رمانهای پاورقی از قبیل رمان بسیار مشهور حسین مسرور به نام «ده نفر قزلباش» در این نشریه به چاپ می رسید».^{۸۱} اگر نظر آقای بالایی درست باشد باید بر آن این دقیقه را افزود که رمان مذکور به علت حجم بسیار و طبعاً فاصله انتشاری یک ماهنامه هرگز در ارمغان وحید دستگردی صورت پایان به خود ندیده، بلکه قول آقای احمد احرار از نویسندگان و مطلعین قدیمی روزنامه اطلاعات که تذکر داده اند: «ده نفر قزلباش ابتدا به صورت پاورقی به شکل صفحه بندی کتابی در روزنامه یومیه اطلاعات منتشر شده و به پایان رسیده است»^{۸۲} قابل قبولتر است خاصه آن که خود آقای بالایی در کتابنامه سرچشمه داستان کوتاه فارسی، اولین چاپ مستقل این اثر را به صورت کتاب در ۱۳۳۵ش معرفی کرده است.^{۸۱}

در حدود این تاریخ که کودتای ۱۲۹۹ سید ضیاء الدین طباطبایی و رضاخان صورت گرفته است، هنوز تفاوتی میان رمان و پاورقی یا رمان پاورقی نمی بینیم به این جهت است که به نظر می رسد رمانهای تاریخی اولیه فارسی مثل شمس و طغری محمد باقر میرزای خسروی و یا عشق و سلطنت شیخ موسی کبودرآهنگی و دامگستران صنعتی زاده کرمانی همه و همه به علت عدم وجود یک روزنامه یومیه مرتب یا یک مجله هفتگی منظم به صورت کتاب چاپ شده و در اختیار خوانندگان قرار گرفته اند.^{۸۲} با این همه در سالهای پیش از کودتا و چهار سال اول بعد از آن نشانه هایی از حضور پاورقی فارسی در مطبوعات دیده می شود. داستان تاریخی «شهرناز» به قلم حاج میرزا یحیی دولت آبادی در روزنامه ستاره شرق به سال ۱۳۰۱ش به چاپ می رسد و عباس خلیلی با تأسیس روزنامه اقدام به سرعت و به شیوه پاورقی نویسان اروپایی رمانهای «روزگار سیاه» (مهر ۱۳۰۳)، «انتقام» (مرداد ۱۳۰۴)، «انسان» (۱۳۰۴) و «اسرار شب» (فروردین ۱۳۰۵) را نوشت و در روزنامه خود منتشر ساخت. به نوشته آرن پور: «در رمانهای خلیلی گذشته از وضع نامطلوب زنان مسائل دیگری مانند ازدواج اجباری، فحشاء و رواج فساد در میان جوانان طبقه ثروتمند کشور به میان آمده است».^{۸۳} به این طریق از عباس خلیلی برخلاف مشفق کاظمی که با یک پاورقی دفتر شهرتش بسته شد، باید به عنوان اولین تولیدکننده پاورقی در معیار وسیع و فنی این کار یادآوری کرد.

متأسفانه نگارنده به اصل روزنامه های اقدام، شفق سرخ، کوشش و ایران که بعد از کودتای ۱۲۹۹ و در زمان سلطنت رضاشاه پهلوی منتشر می شده اند دسترسی ندارد و از این رونمی تواند درباره این که پاورقیهای این روزنامه ها از مشخصات تکنیکی پاورقی که در قسمت اول این مقاله به آن اشاره شده است برخوردار بوده اند یا نه قضاوتی داشته باشد. اما اقبال عمومی خوانندگان به آثار اینان که بعد از چاپ به صورت پاورقی به شکل کتاب هم منتشر می شده اند نشان دهنده توفیق کار آنان بوده است.

۳ - دوره ۱۶ ساله سلطنت رضاشاه

استقرار رضاشاه پهلوی بر تخت سلطنت، از جهت تاریخ مطبوعات ایران و پاورقی که جزیی از آن است شامل دو دوره کاملاً مجزا از یکدیگر است. روزنامه ها و مجلات این دوره تا حدود سال ۱۳۱۰ یعنی شش سال بعد از به سلطنت رسیدن رضاشاه هنوز در حال هوای آزادی مطبوعات مطالب و مقالات خود را ارائه می دادند، اما از حدود این سالها به بعد قدرت حکومت از یک سو و سازمان یافتن مطبوعات از سوی دیگر پاورقی را در وضع خاصی قرار داد. روزنامه شفق سرخ به مدیریت علی دشتی نه تنها یادداشتهای او را به نام «ایام محبس» چاپ می کرد بلکه ناگهان نویسنده ای جوان به خلق یک رمان تاریخی پرداخت که تاکنون همچنان در عداد رمانهای تاریخی پرخواننده فارسی ست. این نویسنده زین العابدین مؤتمن نویسنده «آشیانه عقاب» است. زین العابدین مؤتمن در مصاحبه ای با مجله جهان کتاب درباره اثر خود توضیحاتی می دهد که شاید بتوان آن را جزء اولین اشارات صریح به موضوع پاورقی نویسی دانست. وی در برابر سؤال پرسشگر که از او پرسیده است:

آقای مؤتمن «آشیانه عقاب» را در چند سالگی نوشتید؟» جواب می دهد:

من نوشتن این داستان را در سال ۱۳۰۹ شمسی یعنی زمانی که شانزده ساله بودم آغاز کردم و در مؤخره ای که بر چاپ پنجم آن افزوده ام به این نکته اشاره کرده ام که چون این کتاب را در دوران جوانی و پیش از بلوغ فکری نوشته ام ممکن است دور از موازین و معیارهای سنجیده و شناخته شده باشد... وقتی این داستان را نوشتم آن را به شخصی دادم که به روزنامه شفق سرخ (که از روزنامه های معتبر آن زمان بود) ببرد تا در آن جا چاپ شود. ولی اصلاً تصویر نمی کردم که امکان چاپ این کتاب در آن روزنامه باشد. آن زمان سال ۱۳۱۳ شمسی و همزمان بود با برگزاری هزاره فردوسی، و در شفق سرخ زندگی فردوسی به صورت پاورقی چاپ می شد، یک روز دیدم که آن پاورقی را برداشته اند و به جای آن «آشیانه عقاب» را درج کرده اند تا ۷-۸ ماهی که انتشار شفق سرخ ادامه داشت «آشیانه عقاب» به شکل پاورقی در آن درج می شد تا این که امتیاز

شفق سرخ لغوشد و طبعه انتشار «آشیانه عقاب» نیز متوقف گردید.^{۱۵}

دیگر پاورقیهای روزنامه های دوران اول سلطنت رضاشاه که در روزنامه های سامان یافته و برجا مانده انتشار می یافتند مانند «پهلوان زند» از شین پرتو در روزنامه ایران و «دلبران تنگستانی» از رکن زاده آدمیت در روزنامه کوشش با اقبال مردم مواجه شدند. اما نباید از یاد برد که انتشار جزوه ای کوچک به نام افسانه که ابتدا به صورت هفتگی و سپس به شکل روزانه منتشر می گردید، نقطه عطفی در تاریخ داستان کوتاه و نیز پاورقی نویسی ایران محسوب می شود. این جزوه که جلد اول آن در تاریخ شنبه ۱۳ آبان ماه ۱۳۰۶^{۱۶} یعنی تقریباً دو سال بعد از به سلطنت رسیدن رضاشاه چاپ شده، از این جهت درخور تأمل است که توجه و علاقه مردم را به خواندن داستان آن هم ابتدا به صورت هفتگی و سپس به شکل روزانه نشان می دهد. در سالهای بعد از این، سنت انتشار داستانها به صورت جزوات و یا کتب کم حجم ادامه پیدا می کند. دکتر علی بهزادی در مقاله ای که پیرامون پاورقی نویسی در مجله گردون نوشته به نکته بدیعی اشاره دارد که حتی نگارنده تا پیش از این مقاله از آن آگاه نبود. دکتر بهزادی می نویسد:

از آن جا که کتاب گران و تعداد کتابخوان کم بود، روزنامه نویسها - که عده ای از آنها ناشر کتاب هم بودند دست به کار جالبی زدند. کتابی را که به عنوان پاورقی انتخاب می شد از همان آغاز کار به صورت صفحات کتاب حرفچینی کرده، در هر شماره ۴ یا ۶ و با ۸ صفحه از آن را در پایین صفحه چاپ می کردند. این کتابها کوچک و در قطع خشتی صفحه بندی می شد. پس از چاپ روزنامه حروف این قسمت را پخش نمی کردند و نگه می داشتند تا به اندازه یک فرم کتاب ۱۶ یا ۳۲ صفحه ای در آید آن گاه آن را به صورت کتاب چاپ می کردند.

این روش که در ایران هم همان اصطلاح فرانسه یعنی *tirage a part* را برای آن به کار می بردند در ارزیابی کتاب مؤثر بود و در آن ایام کارگران چاپخانه و کسانی که اهل مطالعه و کتاب بودند با این اصطلاح آشنایی داشتند.^{۱۷}

بر این نوشته دکتر بهزادی، تأکید آقای زین العابدین مؤتمن را باید افزود:

پس از توقف انتشار پاورقی «آشیانه عقاب» در شفق سرخ، انتشارات افشاری آن را در ۱۰ جلد منتشر کرد. این کتاب چهار بار به همین صورت چاپ شد تا سرانجام چاپ پنجم آن در ۱۳۴۸ توسط همین ناشر در یک مجلد منتشر گردید.^{۱۷}

پدیده چاپ کتاب در مجلدات متعدد و کم حجم از مختصات پاورقی در دوران رضاشاهی ست که در آن ابتدا دو ناشر معروف یعنی کلاله خاور و انتشارات افشاری دست به چاپ داستانهای ایرانی و فرنگی در مجلدات متعدد زدند از جمله افسانه گت ها که در

حقیقت یک رمان تاریخی آلمانی است که توسط فلیکس واهن نوشته شده، تا سال ۱۳۰۹ ده جلد از آن به فارسی ترجمه گردیده و خود ناشر مرّده انتشار جلد یازدهم و دوازدهم آن را هم داده است.^{۱۸} در این دوره کلیه آثار پاورقی نویسان آغاز قرن بیستم و در رأس همه میشل زواکو به فارسی به همین صورت ترجمه و چاپ شده است. حسینقلی مستعان پاورقی نویس بزرگ ایران تنها در این ایام دوازده جلد رمانهای میشل زواکو را به فارسی برگردانده است.^{۱۹} در این زمان است که این داستانها به جای آن که در مطبوعات منتشر شود به صورت جزوات و یا کتب کم حجم به دست مردم می رسیده و هنوز خاطره داستانهایی چون پاردایانها، پسر پاردایانها، لوکرس بورژیا، روکامبول، مادر روکامبول، راسپوتین، گاریبالدی و... در یادها باقی است. بر این نکته باید تنوع داستانی را نیز افزود زیرا که اولین داستانهای پلیسی و جنایی که در آغاز سلطنت رضاشاه و در حدود سالهای ۱۳۰۰-۱۳۱۰ با ترجمه مترجمانی سرشناس چاپ می شد رونقی به سزا یافت.

نصرالله فلسفی با ترجمه آرسن لوپن در روزنامه های سال ۱۳۰۱، و عملیات پلیس مشهور امریکا، نات پنکرتون به ترجمه عطاءالله دیبیمی در مجله امید ۱۳۰۸، و نیز اولین ترجمه یک اثر میشل زواکو به نام پاردایانها یا دختر عشق به سعی حسن ناصر در روزنامه ایران ۱۳۰۰ جلوه هایی از تنوع داستانهای ترجمه شده را که جاذبه پاورقی دارد نشان می دهد.^{۲۰}

به جز دو ناشر معتبری که نامشان آمد، نگارنده ناشر دیگری را به خاطر می آورد که تحت عنوان «انتشارات بریانی شبستری» به چاپ جزوات پُر کشش از عملیات نات پنکرتون کارآگاه خصوصی امریکایی و نیز جزواتی به نام سیاحت دور کره که شرح داستانهای ماجراجویانه دو موتورسوار امریکایی در کشف جنگلهای افریقا و قبایل وحشی بود اقدام می کرد و بعدها نویسنده ترکی که نام او را به خاطر ندارم با نوشتن جزواتی به نام جینگوز رجایی در ایران شهرت یافت اما نام مترجم آثاری را که نشریات بریانی به او بیشترین سهم را می داد، ابوتراب شایگان بود، و این ناشر یعنی بریانی در سالهای آخر عمر خود به عسرت تمام در زیر پله ساختمانی در خیابان فردوسی، بالاتر از روزنامه کیهان، همچنان جزوات آن سالها و این گونه رمانهای پاورقی را می فروخت و به زحمت امرار معاش می کرد.

پاورقی دوره رضاشاهی در حقیقت همین پاورقیهای جزوه ای بود. حسینقلی مستعان شهرت پاورقی نویسی خود را در این ایام با نگارش جزوات ماهانه ای آغاز کرد که با نام مستعار «ح.م. حمید» هر ماه یک داستان مستقل با نامهای مورد پسند زنان تازه متجدد شده چاپ می شد. در خلاصه ای از زندگی نامه مستعان که به همت حسن شهباز در مجله

ره آورد چاپ شده است وی این دسته از کارهای مستعان را زیر عنوان رمانهای کوچک مخصوص نوجوانان و جوانان طبقه بندی کرده و برشمرده است.^{۱۱} برخی از آن نامها از این قرار است: فوری، شیده، آفرین، غزال، دلارام، آریتا و شهر آشوب که می بینیم در دهه های بعد به صورت نام اول برای نامیدن دخترانی که مادرانشان خواننده داستانهای ح.م. حمید بوده اند مورد استفاده قرار گرفته است.

علاوه بر این در آخر این دوره مستعان مجله راهنمای زندگی را به همراه خانم ماه طلعت پسیان در تهران منتشر می ساخت که باید از آن به عنوان نخستین مجله مصور خانوادگی یاد کرد. متأسفانه بنده به دوره این مجله دسترسی ندارم تا بدانم که آیا مستعان کار پاورقی نویسی را به آن صورت که در روزنامه ایزان در سالهای ۱۳۱۰-۱۳۱۵ می کرده و سپس در بعد از شهریور ۲۰ در مجلات هفتگی ادامه داده، در مجله راهنمای زندگی هم تکفل بوده است یا نه؟

در پایان توضیحات مربوط به این دوره از پاورقی نویسی ذکر این دو دقیقه خالی از فایده نیست.

الف - پاورقیهایی که در فعل به صورت کتاب چاپ می شدند و بالقوه چیزی جز پاورقی به حساب نمی آیند مانند آشیانه عقاب، پاردایانها و... شیوه توزیع و انتشار خاصی پیدا کرده بودند که به آن وسیله خوانندگان را به خود جلب می کردند. این شیوه همانا کرایه دادن کتابهای داستانی در مغازه های خرازی و یا لوازم التحریر فروشی محلی بود. بسیار بودند خرازی فروشیهایی که پشت شیشه مغازه خود می نوشتند «لوازم التحریر موجود است. تکمه منگنه می شود. رمان (به تشدید میم) کرایه داده می شود». این مغازه ها با توجه به نرخ تورم، کتابها را از شبی ده شاهی تا دوریال کرایه می دادند و کرایه کنندگان برای آن که حداکثر استفاده را کرده باشند مجبور بودند که داستانها را به سرعت بخوانند و پس ببرند. کار کرایه رمان تا حدود دهه ۳۰ در ایران رونق فراوان داشت و به توسعه این گونه کتابها که سهل الهضم و قابل به سرعت خواندن بود کمک بسیاری می کرد. البته از شهریور ۱۳۲۰ به این طرف همان طور که خواهد آمد با پیدایش مجلات هفتگی که پاورقی را به صورت منظم و حرفه ای عرضه می کردند رمان کرایه ای کم کم از رونق افتاد.

ب - در این دوره از تاریخ پاورقی، روزنامه نگاران برجسته دوره بعد هر کدام به شکلی چه به صورت جزوه چه به صورت کتاب ارزان و چه به صورت پاورقی روزنامه ای در این کار طبع آزمایی کردند. نام بسیاری از این پاورقی نویسان به عنوان مدیر روزنامه در دوره بعد به خاطرها مانده است و کمتر کسی نام و نشان پاورقی و داستانی را که آنها نوشته اند

به خاطر می آورد. فرضاً لطف الله ترقی مدیر مجله ترقی در ۱۳۰۷ داستان فانتزی کمد: «جن در حمام سنگلیج» را نوشت و همشهری قمی او محمد مسعود با نام مستعار م. دهاتی اولین تجربه خود را در دوره دوم مجموعه افسانه با نام «قاتل کیست؟» انتشار داد.^{۱۲} همچنان که زین العابدین رهنما رمان مذهبی-تاریخی معروف خود پیامبر را در ۱۳۱۶ منتشر ساخت و بعدها - در حدود سالهای ۱۳۴۰ - بر اساس توفیق آن پاورقی «زندگی امام حسین» را در مجله سپید و سیاه به چاپ رساند.

۴- پاورقی در دوران سلطنت محمد رضا شاه پهلوی ۱۳۲۰-۱۳۵۸ ش

با حمله متفقین به ایران در سوم شهریور ۱۳۲۰، استعفای رضاشاه پهلوی از سلطنت و آغاز سلطنت محمد رضاشاه پهلوی مطبوعات به یک آزادی دور از انتظار و ناگهانی دست یافتند و رنگین کمانی از روزنامه ها و مجلات گوناگون در افق روزنامه نگاری ایران پدیدار شد که بی شباهت به حیات مطبوعات بعد از انقلاب مشروطیت و استبداد صغیر نبود.

از میان رفتن سانسور مطبوعات که در دست شهربانی بود، پیشرفت فن چاپ، پیدایش احزاب و گروههای سیاسی فرصت درخشانی به رشد روزنامه ها و مجلات ایران داد. در این میان روزنامه اطلاعات که صاحب امتیاز و مدیر آن عباس مسعودی وکیل ادوار مجلس شورای ملی دوران پهلوی اول بود و توانسته بود روزنامه خود را از شکل متداول روزنامه های بعد از کودتای ۱۲۹۹ به در آورد و به جای پرداختن به مسایل عقیدتی اولین روزنامه یومیه خبری مورد توجه دولت را منتشر سازد و تقریباً به صورت روزنامه غیررسمی مملکتی انجام وظیفه کند، در عالم مطبوعات قوی ترین واحد موجود به حساب می آمد و هم او بود که با انتشار مجله اطلاعات هفتگی در مقابل راهنمای زندگی حسینقلی مستعان، اولین مجله هفتگی منظم و برابر با معیارهای آن روز را به وجود آورد.

همزمان با تأسیس مجله اطلاعات هفتگی از سال ۱۳۲۱ به بعد مجلات هفتگی دیگری نیز پا به عرصه وجود نهادند و به علت ادواری بودن، عمومی بودن و برابر ذوق عامه عمل کردن ناگزیر از آن شدند که به پاورقی به عنوان یک ستون برپادارنده موجودیت خود و جلب خواننده تکیه کنند.

آنچه در این بخش به عنوان اشارات تاریخی می آید، صرفاً منقول از حافظه شخصی نگارنده است و طبعاً خالی از بسیاری از خطاهای حافظه نمی تواند بود. توقع این بنده آن است که خوانندگان این بخش را - که در مقطعی از آن خود حضور فعال داشته ام - به شکل یک تاریخ شفاهی تلقی فرمایند به امید آن که این درآمدی باشد برای محققان و پژوهشگران آینده در زمینه پاورقی نویسی در ایران.

اگر بخواهیم دوران طولانی سلطنت محمد رضا شاه را از جهت وضع پاورقی نویسی در مجلات فارسی طبقه بندی کنیم شاید صورت زیر شمای واقع بینانه ای از وضع پاورقی نویسی در مجلات را به دست دهد.

اول - از شهریور ۱۳۲۰ تا ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ یعنی تاریخ سوء قصد نافرجام ناصر فخر آرای در صحن دانشگاه تهران به جان محمد رضا شاه که منجر به اعلام حکومت نظامی در تهران و غیر قانونی شدن حزب توده گردید.

دوم - از ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ یعنی دوران پر جوش و خروش ملی شدن نفت.

سوم - از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا ۲۹ مرداد ۱۳۵۳ که در آن تاریخ ۶۳ روزنامه و مجله کشور با تصویب هیأت وزیران به ریاست امیر عباس هویدا تعطیل شد.

چهارم - از ۲۹ مرداد ۱۳۵۳ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ یعنی سقوط رژیم پهلوی و استقرار جمهوری اسلامی.

شرح وضع مطبوعات ایران در این ۳۷ سال کار تاریخ نویسان مطبوعات است اما نگاهی به دوران اوج و فرود پاورقی در حد مقاله حاضر است و همچنان که اشاره شد دوران شکوفایی پاورقی نویسی در همین محدوده عصر سلطنت محمدرضا شاه پهلوی است.^{۱۴} در دوره اول یعنی از شهریور ۲۰ تا بهمن ۲۷ به جز اطلاعات هفتگی که ذکر آن رفت، تعدادی مجله عمومی در تهران منتشر می شد که در حقیقت خاستگاههای پاورقی نویسان این دوره و جولانگاه نویسندگان دوره پیش است. مجلاتی که باید نامشان را در این جا آورد عبارتند از: بدیع، آشفته، امید، ترقی، ترقی دوهفتگی، صبا و... این مجلات اگر هم تمایلات سیاسی داشتند این تمایلات تحت الشعاع خط مشی کلی آنها که عمومی بودن مجله بود قرار داشت. مجلات غالباً از الگوهای فرانسوی و عربی استفاده می کردند و در این دوره به خصوص تأثیر پاورقیهای مجلات عربی چون روز الیوسف و الهلال و المصور در پاورقیهای فارسی به خوبی دیده می شود علی الخصوص که مترجمان این پاورقیها یعنی کسانی چون محمد علی شیرازی، جواد فاضل، علی اکبر کسمایی خود اندک اندک در مکتب عربی پاورقی نویسی مشق می کردند. نامهایی چون جرجی زیدان، احسان عبدالقدوس، طه حسین در این دوره نامهای شناخته شده پاورقی نویسان عرب است که مترجمان فارسی آنها، در آثار بعدی که خود خلق کردند به شدت از آنان متأثر بودند. اما نام یک پاورقی نویس معروف جهان عرب که در آن سالها در ایران شناخته شده نبود و در این سالها شهرتی به سزا دارد قابل ذکر است. دکتر علیرضا نوری زاده در یادداشت

خصوصی خود به نگارنده متذکر می شود:

در دهه های سی و چهل و نیمی از دهه پنجاه کسانی مثل طه حسین با انتشار زندگینامه خود به نام الایام که مرحوم خدیوچم با ترجمه ای زیبا آن را به فارسی زبانان تقدیم کرد، به صورت پاورقی شهرت و آوازه بسیار یافتند. نجیب محفوظ که در جمع ادیبان و نویسندگان بلند آوازه بود با انتشار چند رمان خود از جمله اولاد حارتنا (بچه محله های ما) به صورت پاورقی شهرتی فراتر از هر ادیب و سخنور در بین توده های مردم پیدا کرد.^{۱۵}

در میان این مجلات، مجله ترقی به مدیریت لطف الله ترقی و سردبیری ابراهیم مدرسی با عرضه پاورقیهای تاریخی این دومی باعث رشد حیرت انگیز تیراژ این مجله هفتگی شد. او که در زمینه رمانهای تاریخی - عشقی کار می کرد با چند پاورقی مشهور در زمان خود از جمله «عروس مدائن»، «پنجه خونین»، «عشق و انتقام» ترقی را به مرحله پرتیراژترین مجلات این سالها رساند. البته از سرمقاله های ترقی نیز که به قلم خود لطف الله ترقی نوشته می شد و سبک ویژه ای را با نقل حکایات کوتاه بنیاد نهاده بود، نباید غافل بود. جواد فاضل، قاسم لارین، جلال نعمت اللهی، علی اکبر کسمایی دیگر پاورقی نویسان این مجله بودند. ترقی در اوج توفیق پاورقیهایش ناگهان تصمیم گرفت که به شیوه روزنامه های سالهای ۱۸۴۰ فرانسه دستی به سوی پرونده های جنایی دراز کند و توده بیشتری را جلب نماید. به این جهت به چاپ مسلسل سرگذشت اصغر بروجرودی معروف به اصغر قاتل، قاتل کودکان در تهران، و سیف القلم قاتل زنان فاحشه در شیراز پرداخت و شگفت آن که این کار به مذاق و خلق جامعه متوسط مجله خوان خوش نیامد و ترقی از آن پس دوران سقوط خود را آغاز کرد.

در دوره دوم یعنی از بهمن ۱۳۲۷ تا مرداد ۱۳۳۲ علاوه بر این مجلات، از مجله کاویان به مدیریت ربیع مشفق همدانی صاحب بنگاه مطبوعاتی صفی علیشاه باید نام برد که مجله اش با تمایلات سیاسی چپ و ملی اما در قالب همان مجلات هفتگی منتشر می شد و در آن سعید نفیسی پاورقی پر سر و صدای خود به نام «نیمه راه بهشت» را که یک داستان سیاسی - اجتماعی پر از اشاره و کنایه بود می نوشت. نفیسی در این پاورقی به کل سیستم اجتماعی آن روز حمله برده و اشخاص سرشناس مانند دکتر علی اکبر سیاسی وزیر فرهنگ و رئیس دانشگاه، یا دکتر طاهری کارگردان و متولی مجلس را با نامهایی چون دکتر علی دیلماسی و دکتر طبیبی به صورت قهرمانان داستانش به خوانندگان عرضه داشته بود.

در همین سالها مجله تهران مصور نیز اندک اندک جای خود را در میان مجلات معتبر باز می کرد. این مجله که به مدیریت احمد دهقان منتشر می شد و معدل شیرازی در حقیقت

معز متفکر آن بود در متبهی الیه خط راست سیاسی قرار داشت و به اعتبار اخبار دست اولش مورد توجه بود و به آن استناد می شد. اما آنچه تهران مصور را در حرکت اول جلو آورد انتشار اولین پاورقی سیاسی جنجالی در آن بود. این پاورقی «من جاسوس شوروی در ایران بودم» نام داشت که به قلم کریم روشنیان عضو پیشین کمیته شهرستان حزب توده ایران نوشته می شد که از حزب توده بریده و بعد از وقایع آذربایجان به افشای روابط حزب توده، فرقه دموکرات آذربایجان، ک. گ. ب. و شوروی پرداخته بود. صحت و سقم کل مطالب روشنیان هنوز معلوم نیست اما تأثیر این پاورقی سیاسی در تیراژ تهران مصور انکارناپذیر است. دو پاورقی نویس دیگر به نامهای علی جلالی و فرخ کیوانی نیز این مجله را یاری می دادند که پاورقی علی جلالی به نام «شبهای بابل» که یک داستان تاریخی دوران هخامنشی است مورد توجه بسیار بود. با ورود حسینقلی مستعان در صحنه تهران مصور، عصر حضور پاورقی مجله ای در معنایی که حداقل بیست سال دوام آورد آغاز شد. مستعان با پاورقیهای «بیعرضه»، «شهر آشوب»، «رابعه»، «آفت» تهران مصور را به صورت اولین مجله هفتگی تهران در آورد به طوری که ترور احمد دهقان مدیر مجله کوچکترین تأثیری در ادامه حیات آن نگذاشت.

در دوره سوم از آغاز سال ۱۳۳۲، امتیاز مجلات هفتگی تازه ای صادر شد و دو جوان تحصیل کرده در اروپا به نامهای دکتر مصطفوی و دکتر علی بهزادی به ترتیب امتیاز مجلات روشنفکر و سپید و سیاه را گرفتند. اندکی پیش از آن لطف الله ترقی که مجله خود را در سرآشوب سقوط می دید با به راه انداختن مجله ای نظیر هفته نامه های جنجالی اروپایی به خصوص انگلیسی و فرانسوی به نام آسیای جوان نسل دیگری از پاورقی نویسان را در دامان خود پرورد و این در حالی بود که مجله صبا به مدیریت ابوالقاسم پاینده تعطیل شده و پاورقی نویسان آن به واحدهای جدید جذب می شدند. مجله خواندنیها به مدیریت علی اصغر امیرانی داستانه و پاورقیهای کوتاه مجلات دیگر را می برید و چاپ می کرد و برای داستان نویسان جوان انتخاب پاورقی آنها و چاپ آن در خواندنیها ملاک اعتبار کارشان به حساب می آمد. این بنده خود از یاد نمی برم که وقتی اولین پاورقی خویش را در سال ۱۳۳۵ در کیهان ورزشی با نام «برزو» منتشر ساختم و امیرانی آن را تماماً در خواندنیها نقل کرد چه شادمانیها که نکردم. البته امیرانی در آن زمان هنوز گنج گهریاری به نام ذبیح الله منصوری را تماماً به کار نگرفته و استخراج نکرده بود.

از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به بعد و عملاً از ۱۳۳۴ به این طرف که دیگر موج غلیانهای سیاسی فرونشسته و مجلات و روزنامه ها باید بیشتر به مسایل غیر حزبی می پرداختند، پاورقی

نویسی دوران شکوفایی خود را آغاز کرد. این شکوفایی تا حدود سالهای ۱۳۴۷-۱۳۴۸ ادامه داشت و با آن که رادیو صورتی تازه به خود گرفت و داستانهای شب رادیو که عمده به قلم و ترجمه یا اقتباس عزیزالله حاتمی ارائه می شد و عملاً نوعی پاورقی روزانه بود که زحمت بیسوادان را کم می کرد، مع ذلك پاورقی مکتوب همچنان ستون فقرات روزنامه ها و مجلات محسوب می شد. سانسور و ممیزی بیش از حد ساواک و سپس وزارت اطلاعات و جهانگردی در کار پاورقیها به بهانه های مختلف از یک طرف و ظهور و گسترش تلویزیون ثابت و سپس تلویزیون ملی از سوی دیگر و ارائه سریالهای تلویزیونی اندک اندک پاورقی مطبوعاتی را به محاق تعطیل کشید به طوری که در روز اعلام تعطیل ۶۳ روزنامه و مجله کشور پاورقی عملاً از قوت بنیادی خود افتاده بود.

در دوره چهارم حیات مطبوعات در سلطنت محمد رضاشاه، پاورقی نویسی در مطبوعات منحصرأ در اختیار اقمار مطبوعاتی دو واحد بزرگ کشور یعنی مؤسسه اطلاعات و مؤسسه کیهان بود. در این دو مؤسسه دو مجله زنانه اطلاعات بانوان و زن روز هنوز پاورقی نویسان گذشته را در اختیار داشتند و مجله اطلاعات جوانان و اطلاعات دختران و پسران پاورقی نویسان جوانتری را پرورش می دادند. اطلاعات هفتگی همچنان به سردبیری ارونقی کرمانی پاورقی نویسان خود را داشت و نامهایی چون ر. اعتمادی، پرویز قاضی سعید از آخرین نامهایی هستند که نسل پاورقی نویس مطبوعات ایران به خاطر دارد.

حال که این گذر سریع را در ادوار پاورقی نویسی ایران به پایان می بریم باید به چند نکته اساسی دیگر در کار پاورقی بپردازیم.

برکلی، کالیفرنیا

یادداشتها:

۶۴- پروین، ناصرالدین، ایران نامه، سال شانزدهم، شماره ۲-۳ (بهار و تابستان ۱۳۷۷)، ص ۱۹۱.

۶۵- قاسمی، سعید فرید، راهنمای مطبوعات ایران عصر قاجار، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، ۱۳۷۳.

۶۶- پروین، ناصرالدین، یادداشت شخصی به نگارنده.

۶۷- آرزین پور، یحیی، از صبا تا نیما، تهران، ۱۳۵۰، ج ۱، ص ۱۸۳.

۶۸- الهی، صدرالدین، «درآمدی بر مقوله پاورقی نویسی در ایران»، ایران شناسی، سال دهم، شماره ۲، ص ۳۲۹.

۶۹- تقویم صد ساله، از نشریات اداره کل احصائیه و ثبت احوال تهران، چاپ فردین و برادران.

۷۰- از صبا تا نیما، ص ۲۳۷.

۷۱- الهی، صدرالدین، «درآمدی بر مقوله پاورقی نویسی در ایران» ایران شناسی، سال دهم، شماره ۳، ص ۵۵۰.

۷۲- از صبا تا نیما، ص ۲۳۷.

۷۳- بالایی، کریستف و کویی پرس، میشل، سرچشمه های داستان کوتاه فارسی، ترجمه دکتر احمد کریسی حکاک، مجموعه گنجینه نوشته های فارسی، شماره ۲۸، انجمن ایران شناسی فرانسه در تهران، انتشارات پایپروس، تهران ۱۳۶۶، ص ۵۲.

۷۴- الهی، صدرالدین، زیرنویس شماره ۷۱، ص ۵۵۶.

۷۵- اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، روزنامه خاطرات، به کوشش ایرج افشار، چاپ دوم، ۱۳۵۰، تهران، ص بانزده.

۷۶- همان، ص ۴۷۵.

۷۷- همان، ص ۴.

Balay, Christophe, *La Genese Du Roman Persan Moderne*. I.F.D.R.E.I. - ۷۸
Teheran 1998.

این اثر مانند سرچشمه داستان کوتاه فارسی از جمله انتشارات انجمن ایران شناسی فرانسه در تهران است که با شماره ردیف ۴۸ در ایران چاپ شده و به نوشته آقای حمید رضا فتاحی در مجله بخارا (چاپ تهران، شماره اول، مرداد و شهریور ۱۳۷۷) در دست ترجمه به فارسی ست. آقای دکتر عباس میلانی نقدی بر این کتاب در مجله ایران شناسی نوشته اند که پیش از انتشار از راه لطف به همراه اصل فرانسه کتاب در اختیار من نهاده است. آقای بالایی در این کتاب با آن که از مقوله باورقی نویسی چندان سخنی به میان نیاورده اند مع هذا نسخ خطی آثار را دیده اند که می تواند مورد کمال استفاده قرار گیرد. نقد دکتر میلانی به کتاب که در همین شماره ایران شناسی چاپ می شود، همه تکالیف را از گردن این بنده ساقط کرده است.

۷۹- پروین، ناصرالدین، یادداشت خصوصی به نگارنده.

۸۰- از صبا تانیم، ص ۲۴۵.

۸۱- پروین، ناصرالدین یادداشت خصوصی به نگارنده.

۸۲- از صبا تانیم، ج ۲، ص ۲۶.

۸۳- همان، ص ۲۶.

۸۴- الهی، صدرالدین، زیرنویس ۷۱، ص ۵۵۰.

۸۵- ناطق، هما، کارنامه و زمانه میرزا رضا کرمانی، انتشارات افرا، چاپ اول، بهار ۱۳۶۳، ص ۱۷۳.

۸۶- پروین، ناصرالدین یادداشت خصوصی به نگارنده.

۸۷- همان.

۸۸- از صبا تانیم، ج ۲، ص ۲۵۸.

۸۹- سرچشمه های داستان کوتاه فارسی، ص ۴۹.

۹۰- احرار، احمد، یادداشت خصوصی به نگارنده.

۹۱- سرچشمه داستان کوتاه فارسی، ص ۶۲.

۹۲- برای توضیحات بیشتر نک به از صبا تانیم، ج ۲، فصل دوم، رمان نویسی.

۹۳- همان، ص ۲۶۵.

۹۴- مؤتمن، زین العابدین، جهان کتاب، شماره ۲، نیمه اول آبانماه ۱۳۷۴.

۹۵- افسانه، جلد اول، دوره اول شامل دو داستان «ممشوقه مومیایی» از کوتان دوویل و «سرگذشت ممشن» از ولتر

است. ناشر مؤسسه انتشاراتی خاور بود. اگر عمری باشد به اشاره استاد ارجمند دکتر جلال مثنی مقاله ای درباره دوره

آن که در اختیار این بنده است خواهم نوشت.

۹۶- بهزادی، علی، «سیری در باورقی نویسی ایران»، مجله گردون، تهران، شماره ۲۵-۲۶، خرداد و تیر ۱۳۷۲، ص ۴۴.

۹۷- مؤتمن، زین العابدین، زیرنویس ۹۴.

۹۸- افسانه، جزوه شصت و هفتم، دوره دوم، یکشنبه بیست و ششم بهمن ماه ۱۳۰۹.

۹۹- شهباز، حسن، «بدرود با مشاهیری که رفتند»، ره آورد، شماره سوم، پائیز ۱۳۶۲، ص ۹۴.

۱۰۰- پروین، ناصرالدین یادداشت خصوصی به نگارنده.

۱۰۱- شهباز، حسن، زیرنویس شماره ۹۹.

۱۰۲- م. دهانی، «قاتل کیست؟»، افسانه، از نشریات مؤسسه خاور، جزوات چهارم و پنجم، دوره دوم، سه شنبه

ششم و چهارشنبه هفتم آبان ۱۳۰۹.

۱۰۳- بهزادی، علی، شبه خاطرات، ج ۱، زمستان ۱۳۷۵، تهران، ص ۷۹۳.

۱۰۴- الهی، صدرالدین، زیرنویس شماره ۷۱، ص ۳۲۷.

۱۰۵- نوری زاده، علیرضا، یادداشت خصوصی به نگارنده.

*

یادداشت شماره ۵۰ بخش دوم این مقاله را در صفحه ۵۶۱ به شرح زیر تکمیل بفرمایید:

Eco, Umberto, *De Superman au Surbonne*, ed. Grasset, Paris, 1993, p. 7.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی